

پرسش ۲۷: معنی سخن امام حسین (ع): «خداوندا مرا از خواری نفسم بیرون آور و از شک و شرکم پاک فرما»

سؤال / ۲۷: ما معنى قول الحسين (ع) في دعاء عرفة: (إلهي أخرجني من ذل نفسي، وطهرني من شكّي وشركي)؟
معنای این سخن امام حسین (ع) در دعای عرفه چیست: «إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شِرْكِي» (خداوندا! مرا از خواری نفسم بیرون آور و از شک و شرکم پاک فرما)؟

الجواب: الشرك أنواع، منها:
الشرك الظاهر: وهو أيضاً أقسام، منها: الشرك الصريح في العقيدة كعبادة الأصنام والأوثان، وعبادة العلماء غير العاملين الضالين. وهم الأصنام التي لها لسان، كما ورد في القرآن الكريم ([88]) وعن الرسول وعن الأئمة في ذم اليهود الذين أطاعوا علماءهم في معصية الله فعبدوهم بذلك ([89]).
پاسخ: شرک انواعی دارد از جمله:

۱- شرک ظاهری: این شرک نیز اقسامی دارد، از جمله: شرک آشکار در عقیده مانند پرستش بت‌ها و پرستش علمای بی‌عمل گمراه؛ بت‌هایی که زبان دارند، همان‌طور که در قرآن کریم ([90]) و از پیامبر (ص) و ائمه (ع) در نکوهش آن دسته از یهود که از علمای خود در معصیت خدا فرمان بردند و به این ترتیب آن‌ها را عبادت کردند، آمده است. ([91])

۲- الشرك الخفي: ومنه الرياء بكل أقسامه. وليس منه التوجه إلى الخلق في قضاء الحوائج دون التوجه إلى الله سبحانه قاضي الحاجات (الذي يعطي من سألته ومن لم يسأله تحنناً منه ورحمة) بل إن هذا - أي التوجه إلى الخلق دون الله سبحانه - هو كفر بالله، ومع الأسف هذا هو الحال السائد بين الناس. ومنه التوجه

إلى الناس في قضاء الحاجات مع التوجه إلى الله، وهذا هو الشرك الخفي، قال تعالى: (وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ) [92]. والحق أن يتوجه العبد في كل حوائجه إلى الله سبحانه، ويعتبر العباد مجرد وسيلة وآلة بيد الله يسيرها سبحانه كيف يشاء، وحيث يشاء لقضاء حاجته، فإذا توجه إلى الله لا يضره التعامل مع الخلق.

۲- شرك پنهان: که ریا می باشد با تمام اقسامش بخشی از آن است. البته توجه به خلق برای برآورده شدن حاجات و نیازها بدون توجه به خدای سبحان قاضی الحاجات جزو آن نمی باشد «الذی يعطی من سأله و من لم يسأله تحنناً منه و رحمة» (خدایی که به درخواست کننده اش عطا می کند و به کسی که از او نخواهد عطا می کند از روی نعمت بخشی و مهرورزی) بلکه این مورد یعنی توجه به خلق بدون توجه به خدای سبحان- کفر به خداوند است و متأسفانه این وضعیت بین مردم رایج است و جریان دارد. توجه به مردم برای برآورده شدن نیازها، در کنار توجه به خداوند، از جمله ی این نوع شرک محسوب می شود. حق تعالی می فرماید: (و بیشترشان به خدا ایمان نیاورند مگر با شرک) [93]. حق این است که بنده در تمام احتیاجات خود رو به سوی خدای سبحان کند و بندگان را صرفاً وسیله و ابزاری در دست خداوند به شمار آورد که خدا به هر نحو و در هر کجا که اراده فرماید برای برآورده شدن حاجتش آن ها را به کار می گیرد. اگر بنده به خدا توجه کند، تعامل با خلق زبانی به او نمی رساند.

۳- الشرك النفسي: وهو أخفى أنواع الشرك وهو (الأنا) التي لا بد للمخلوق منها، وهي تشوبه بالظلمة والعدم، التي بدونها لا يبقى إلا الله سبحانه وتعالى، وبالتالي فكل عبد من عباد الله هو مشرك بهذا المعنى. والإمام الحسين (ع) أراد هذا المعنى من الشرك وما يصحبه من الشك، وكان الإمام الحسين (ع) يطلب الفتح المبين، وإزالة شائبة العدم والظلمة عن صفحة وجوده، التي بدونها لا يبقى إلا الله الواحد القهار سبحانه. وبالتالي فإنّ الحسين (ع) كأنه يقول: (إلهي لا أحد يستحق

الوجود إلا أنت، ووجودي ذنب عظيم لا سبيل لغفرانه إلا بفنائی وبقائك أنت سبحانك).

۳- شرک نفسانی: که مخفی‌ترین نوع شرک است و همان «منیت» می‌باشد، که مخلوق را از آن گریزی نیست. این «منیت» او را با ظلمت و عدمی که بدون وجود آن، فقط خدای سبحان و متعال می‌ماند و لاغیر درهم می‌آمیزد و از همین‌رو به این معنا، هر بنده‌ای از بندگان خدا مشرک می‌باشد. امام حسین (ع) این معنای شرک و نیز آن‌چه از شک به همراه دارد را قصد کرده است. امام حسین (ع) فتح‌المبین را درخواست می‌نماید و از بین رفتن شائبه‌ی عدم و ظلمت از صفحه وجودش را؛ عدمی که بدون آن چیزی جز خدای واحد قهار باقی نمی‌ماند؛ از همین‌رو آن حضرت (ع) می‌فرماید: «بارپروردگارا! هیچ‌کس استحقاق وجود را ندارد جز تو، و وجود من گناهی عظیم است که راهی برای بخشودنش نیست الا با فَنای من و با بقای وجود پاک تو».

وهذا الشك والشرك بالقوة لا بالفعل، أي إن منشأ وجود لا أنه موجود بالفعل، أي إن قابلية الفعل موجودة لكنها غير متحققة بالفعل أي لا توجد في الخارج، فالفطرة الإنسانية فيها النكته السوداء التي هي شائبة العدم والظلمة، وهذه النكته السوداء هي موطن خرطوم الشيطان الذي يوسوس من خلاله لابن آدم ([94]).

این شک و شرک، بالقوه است نه بالفعل یعنی منشأ آن موجود است نه این که بالفعل موجود باشد؛ یعنی قابلیت به فعلیت رسیدن در آن وجود دارد ولی در عمل محقق نگشته است؛ به این معنا که مصداق خارجی ندارد. در فطرت انسان نقطه‌ای تاریک وجود دارد که همان شائبه‌ی عدم و ظلمت می‌باشد. این نقطه‌ی تاریک، محل اتصال پوزه‌ی شیطان است که از طریق آن انسان را وسوسه می‌کند. ([95])



[88] - مثل قوله تعالى: (اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ ... التوبة: 31).

[89] - عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (ع)، قال: قلت له: "اتخذوا أبحارهم ورهبانهم أرباباً من دون الله"؟ فقال: (أما والله ما دعوهم إلى عبادة أنفسهم، ولو دعوهم ما أجابوهم، ولكن أحلوا لهم حراماً، وحرّموا عليهم حلالاً فعدوهم من حيث لا يشعرون) الكافي: ج 1 ص 70 ح 1، وكذلك ح 3.

[90] - مانند این سخن خداوند متعال: (اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ) (حبرها و راهبان خویش را به جای الله به خدایی گرفتند) (توبه: 31).

[91] - از ابو بصیر از ابا عبد الله (ع) روایت شده است: به ایشان عرض کردم: (اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ) (حبرها و راهبان خویش را به جای الله به خدایی گرفتند)؟ فرمود: «به خدا سوگند آنها را به عبادت خویشان دعوت نکردند که اگر می کردند، مردم اجابتشان نمی نمودند ولی حلال را بر آنان حرام کردند و حرام را حلال و به این صورت، آنها را پرستیدند به گونه ای که خود احساس نمی کردند». کافی: ج 1 ص 70 حدیث 1 و هم چنین حدیث 3.

[92] - یوسف: 106.

[93] - یوسف: 106.

[94] - قال النبي: (إن الشيطان ليحتم على قلب بني آدم له خرطوم كخرطوم الكلب إذا ذكر العبد الله عز وجل خنس) بحار الأنوار: ج 76 ص 49.

[95] - پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «شیطان به قلب فرزند آدم می چسبد. پوزه ای مانند پوزه ی سگ دارد که اگر بنده ذکر خداوند عزوجل را بگوید، به عقب برمی گردد». بحار الانوار: ج 76 ص 49.